

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت
سال سوم، شماره پنجم / بهار و تابستان ۱۳۹۹ش - ۱۴۴۲ق، صص ۱۰۳-۸۲

مقایسه تطبیقی ارزش‌های اسلامی با یهود و مسیحیت

علی غضنفری^۱

خدیدجه جلالی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۱)

چکیده

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه، دخالت اساسی دارد " فرهنگ " آن جامعه است . اساسا فرهنگ هر جامعه، هویت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است . اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و روزی‌خوار از فرهنگ مخالف باشد، ناچار ابعاد دیگر آن جامعه، به همان جانب گرایش پیدا می‌کند. در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای به مقایسه‌ی دو فرهنگ اسلامی و غربی که از هر نظری در بین جوامع غربی و شرقی مشهور است می پردازیم. تفاوت عمده این دو فرهنگ، به تعریف آنها از ماهیت انسان مربوط می‌شود. بر حسب فرهنگ غربی، انسان موجودی است که معنویت، فرع و روبنای زندگی اوست؛ انسان در عصر تکنولوژی به درجه‌ای از پیشرفت رسیده که دیگر نیازی به ارتباط با یک مبدأ قدسی و آسمانی ندارد. این تصور باطل که در فرهنگ غرب رشد پیدا کرد، انسان محوری را جایگزین خدا محوری کرده و بر همه ارزش‌های الهی و آسمانی خط بطلان کشیده‌است چیزی که فرهنگ‌های دینی خاصه اسلام دنیا را صرفا ابزاری برای رسیدن به آخرت معرفی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها : فرهنگ اسلامی، فرهنگ غربی، معاد، خانواده.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ali@qazanfari.net

۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی kjalali۱۲۳۴@gmail.com

مقدمه

نظام‌های مختلفی با پیش‌های خود نسبت به جهان در دنیا شکل گرفته‌اند، بعضی از این نظام‌ها ساخته بشر و دیدگاه آن نسبت به جهان است و بعضی نظام‌ها (ادیان) به نام دین توحیدی‌اند که اوامر خداوند بر آنها و در آنها حاکم است. از میان این نظام‌ها، می‌خواهیم دیدگاه دو نظام اسلامی و غربی را نسبت به اعتقاد به توحید، معاد، خانواده، جامعه، حجاب و اقتصاد را مورد مقایسه قرار دهیم و تفاوت‌ها و اشتراکات را بیان کنیم. امروزه جامعه اسلامی نسبت به موارد فوق یک نگاه دارد و جامعه غربی نگاه دیگری.

در این مقاله موضوعات ذیل مورد مقایسه قرار گرفته‌است: دیدگاه‌های فرهنگی سه ادیان اسلام با مسیحیت و یهود نسبت به خداوند، که از دو قسمت تشکیل شده‌است: دیدگاه‌های فرهنگ اسلام - یهود و مسیحیت درباره وجود خداوند متعال، همه موجودات نیازمند باید در نهایت به یک علتی برسند و محال است که بی علت باشند یا اینکه اساساً به یک علت نرسند. در کل هستی ما با سلسله علت‌ها مواجهیم اینها باید به یک علت اولیه‌ای برگردند و الا محال است خود بخود ساخته شده باشند و آن علت اولیه خداست. و قسمت دوم: توحید، توحید به معنای یگانگی باریتعالی است و نیز تفاوت دیدگاه اسلام، یهودیت و مسیحیت نسبت به اعتقاد به آخرت، که سه قسمت: قسمت اول: توبه، بدون شک، توبه امری است که باید فوری انجام شود تا گناهی از انسان صادر شد، قبل از آن که آثار آن در قلبش ماندگار و محو آن غیر ممکن گردد، پشیمانی و توبه ضرورت دارد، و قسمت دوم: دیدگاه سه ادیان درباره مرگ. مرگ انعدام نیست بلکه انتقالی از دنیایی به دنیای دیگر است. این بازگشت که عبارتست از خروج از نشأ دنیا و ورود به نشأ دیگر، و قسمت سوم: معاد، ایمان به مسأله معاد برای یک مسلمان لازم است برای اینکه اسلام ایمان به وحدانیت خدا و ایمان به پیامبر ﷺ است. و نیز تفاوت‌های جوامع فرهنگی دین اسلامی - یهود و مسیحیت، که دو قسمت: ارزش انسانیت، زن از دیدگاه اسلام چون مرد موجودی دو بعدی است، و در کنار بعد جسمانی وی، و مهم‌تر از آن بعد روحانی او قرار گرفته است و همان گونه که مرد برای ترویج بعد روحانی خود باید اندیشه کند و آن را به کار بندد، زن نیز بایستی در مسیر وارستگی روان خود تلاش نماید، و قسمت دوم: اهمیت تشکیل خانواده سالم، اسلام در پرتو تشریح ازدواج، اهداف و انتظاراتی را تعقیب می‌نماید و از مزدوجین نیز توقع و انتظار دارد تا این اهداف را فراهم آورند. و نیز مقایسه دیدگاه‌های سه ادیان در رابطه با تشکیل خانواده که از دو

قسمت: تربیت، فرزند انسان نتیجه آمل و آرزوهای او می‌باشد؛ زیرا که او ثمره حیات وی محسوب می‌گردد که به عنوان جانشین در روی زمین باقی می‌ماند. شایسته است که این نماینده واقعی انسان، به خصوصیات ویژه‌ای آراسته گردد و قسمت دوم: چگونگی برخورد و احترام فرزند نسبت به والدین، خانواده می‌تواند در برابر امراض مختلف روحی خود را بیمه کند. ریشه اخلاق، در خانواده است و صفات پسندیده، در دامن مادر رشد پیدا می‌کند، رضایت والدین، باعث تحکیم روابط اجتماعی و پشتوانه‌ای در محیط خانواده است. لذا در سایه دور شدن از ارزش‌های انسانی و اخلاقی، هر روزه شاهد از هم گسیختگی بیش‌تر خانواده‌های غربی هستیم، تشکیل شده است و نیز حجاب، که این قسمت دارای دو موضوع: ارزش حجاب، شک نیست که غرب و اسلام با دو دیدگاه متفاوت به زن و ارزش‌ها و کرامت انسانی الهی او می‌نگرند و بر همین اساس برنامه‌ریزی می‌نمایند و موضوع دوم: حدود حجاب، یکی از مهم‌ترین موضوعات یک جامعه مسلمان است که باعث دخول تهاجمات فرهنگی ضد میشود، در این قسمت با آوردن آیاتی از قرآن کریم، حد حجاب مورد بحث قرار داده شده و نیز اقتصاد، که در این فصل فقط به ربا پرداخته شده است، ربا اصطلاحی است که به معنی گرفتن یک مال در عوض پرداخت مالی از همان جنس است به طوری که میزان یکی زیادتر از دیگری باشد.

فرهنگ چیست؟

در برخی تعاریف، فرهنگ در برگیرنده‌ی اعتقادات، ارزش‌ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و هم‌چنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می‌شود. در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد. و بالاخره در پاره‌ای دیگر از تعاریف، فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت میدهد» شناخته می‌شود، و در تعریفی دیگر فرهنگ هرملتی دژ حیات آن مردم و جامعه است که بر فراز قله هستی یک ملت بنا می‌شود، فرهنگ ماندگارترین وجه زندگی بشر است و در تعریف آن باید گفت: "فرهنگ عبارت است از: مجموعه‌ای از معارف، اعتقادات، اخلاق و آداب و رسوم یک ملت". برخی تصور می‌کنند که فرهنگ اسلامی یعنی اینکه مردم لباس روحانی آنرا بپوشند چنین چیزی نیست چون بعضی لباس‌ها نشانه‌ی صنفی است مانند ارتشی یا روحانی که لباس خاصی دارند. مصالح اجتماعی اقتضا می‌کند که آنها در اجتماع از دیگران بازشناخته شوند. معنای فرهنگ

اسلامی این نیست که همه قبا و لباده بپوشند و عمامه برسر بگذارند تا عده‌ای اشکال بگیرند که این لباس برای همه دنیا مناسب نیست. پس نمی‌توان فرهنگ واحدی در تمام دنیا پیاده کرد. فرهنگ اصیل اسلامی معنایش این است: اول؛ باورها و عقاید مربوط به ارتباط انسان با خدا و جهان و طبیعت است. (اصول دین: توحید، نبوت، معاد) - دوم؛ ارزش‌ها و خوب و بدهاست. اسلامی که سلسله خوب و بدهای ثابت و ابدی به ما ارائه می‌دهد، این بدان معنا نیست که احکام در هیچ زمان و مکانی تغییر نمی‌کند احکام اموری جزئی و متغیرند و منظور ارزش‌های ثابت اصول ارزشی و مبانی است. سوم: شیوه‌های رفتاری خاص برخاسته از آن بینش‌ها و ارزش‌هاست.

ارزش انسانیت در جوامع اسلامی و یهودی و مسیحی

از جمله بلاهایی که دامن‌گیر جوامع غربی و جهان امروز شده‌است، تفسیر غلطی است که از مفهوم آزادی کردند. در منطق آن‌ها آزادی یعنی بی قید و بندی و رفع محدودیت از همه غرائز یکی از ریشه‌های این آزادی افسار گسیخته، تحقیر و لگدمالی شخصیت زن و ارزش والای او در نظام خلقت می‌باشد. غرب به اسم ترقی، تمدن و آزادی به دوران جاهلیت بازگشته است. متأسفانه باید بگوییم که زنان در دوره شکوفایی علم و صنعت که نام جهان متمدن و پیشرفته را با خود یدک می‌کشد، وضعیتی بهتر از دوران گذشته ندارد و سیر تحولات، بسیار به ضرر آن‌ها تمام می‌شود، تا آنجا که هم در اجتماع شکست می‌خورند و هم در سنگر خانواده. هر چند به ظاهر جوامع غربی به زن به عنوان یک انسان مستقل می‌نگرند و برای او استقلال رأی در تفکر و ... قائلند اما همه اینها زیر چتر مادی بودن وی قرار گرفته است. اما زن از دیدگاه اسلام، چون مرد موجودی دو بعدی است، و در کنار بعد جسمانی وی و مهم‌تر از آن بعد روحانی او قرار گرفته است و همان گونه که مرد برای ترویج بعد روحانی خود باید اندیشه کند و آن را به کار بندد، زن نیز بایستی در مسیر وارستگی روان خود تلاش نماید.

نمونه‌ای از دیدگاه مساوی اسلام به مرد و زن؛ زن نیز چون مرد موظف به انجام عبادات و واجبات است. (غضنفری، ج ۱، ص ۸۳) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ» هرکس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است او را به زندگی پاکی زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالشان خواهیم داد. (سوره نحل / ۹۷)

احترام زن در قرآن کریم

زن محور سکون و آرامش است، چنانچه در آیه ذیل صریحاً بدان اشاره شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ...» (سوره اعراف / ۱۸۹) اوست خدایی که شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیسایید. نهایت اینکه در قرآن، «انسان» مطرح است، نه زن و مرد.

احترام زن در روایات اسلامی

از رسول خدا ﷺ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي . (مکارم الاخلاق - ص: ۲۱۶)"
 بهترین شما بهترین شما برای زنانشان است و من نسبت به شما بهترین برای همسرانم هستم ."
 قال علي عليه السلام : وَ إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ فَلَا تُضَارُّهُنَّ وَ لَا تَعْضُلُوهُنَّ . (مستدرک الوسائل - ج ۱۴، ص: ۲۵۱) " زنان امانت خداوند نزد شما هستند، پس آنها را آزار نرسانید و بر آنها سخت-گیری نکنید ."

احترام زن در کتب ادیان یهودی و مسیحی و هم‌چنین در روایات علماء‌اشان

در کتاب‌های یهود و مسیحیت تعابیر خشنی در مورد زن به کار رفته است که متأسفانه برخی عبارات آنها قابل توجیه نیست . مثلاً המחامی از « سفر ایوب » از کتاب تورات چنین نقل می‌کند: تلخی زن از مرگ بدتر است و هیچ مردی جز آنکس که خداوند وی را دوست داشته باشد، از شر وی خلاص نمی‌گردد و از هزار مرد، یک مرد نجات نمی‌یابد. و نیز به نقل از « قدیس ترتولیان » از علماء مسیحیت آورده است: " زن راه عبور و ورود شیطان است ، او قلب و نفس مرد است و دائماً با تعالیم الهی به مخالفت برمی‌خیزد، و مرد را وادار می‌کند که از دین خود دست بردارد ." (غضنفری، ج ۱، ص ۸۲-۸۳)

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای می‌فرماید:

«شما باید زن را با چشم یک انسان والا نگاه کنید، تا معلوم بشود که تکامل و حق و آزادی او چیست؟ زن را به عنوان یک موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای اصلاح جامعه یا پرورش انسان‌های والا بشود نگاه کنید تا معلوم بشود که زن کیست و آزادی او چگونه است، زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید. اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند. اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکوتی که در

فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم بشود که زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست؟

شهید مطهری گفته‌اند: «آنچه از نظر اسلام مطرح است، این است که زن و مرد به دلیل این که یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آنها یک‌جور نیست، خلقت و طبیعت آنها را یکنواخت نخواست است، و همین ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند».

تفاوتی که میان نظر اسلام و سیستم غربی وجود دارد در این جاست. کلمه «تساوی حقوق»، یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب بر روی این ره آورد غربی چسبانده‌اند.

اهمیت تشکیل خانواده سالم در فرهنگ اسلامی - یهودی و مسیحی

اهداف ازدواج از دیدگاه اسلام

اسلام در پرتو تشریح ازدواج، اهداف و انتظاراتی را تعقیب می‌نماید و از مزدوجین نیز توقع و انتظار دارد تا این اهداف را فراهم آورند. به بیانی دیگر، در اسلام افزون بر این که ازدواج به خودی خود می‌تواند هدف قرار بگیرد و به تعبیری مطلوبیت ذاتی دارد، از مطلوبیت غیری نیز برخوردار است و برای رسیدن به اهدافی خاص مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است. از مردان و زنانی که با هم پیمان همسری می‌بندند می‌خواهد در مسیر این پیمان الهی و آسمانی، به این مقاصد و اهداف لباس تحقق بپوشانند. از دیدگاه اسلام با فراهم آمدن این اهداف، هم زمینه‌ی شکوفایی توان نهفته و استعداد بالقوه در نهاد انسان مهیا می‌شود و هم ذخیره‌ای گران و سرمایه‌ای بی‌پایان و جاودان (مانند تربیت نسل پاک و فرزند صالح) به بشریت ارزانی می‌شود.

هدف اسلام از ازدواج :

۱- تشکیل خانواده

از جمله اساسی‌ترین اهداف اسلام از ازدواج، تشکیل خانواده است. اسلام با تعیین این هدف، به مسلمانان این پیام را تفهیم می‌کند که تمام علل و چرایی‌های ازدواج مانند پاسخ به نیازهای روحی، روانی، شناختی و جسمی و حفظ نوع بشر و تولید نسل سالم و پاک و... باید در چهارچوبی تعریف شده و در قالب کانونی به نام خانواده تأمین و فراهم شود.

اسلام، خانواده را به عنوان یک هدف واسطه‌ای در نظر می‌گیرد تا در پرتو آن به اهداف بعدی خود نایل آید. در واقع از دیدگاه اسلام تنها با تشکیل خانواده می‌توان به اهدافی خاص دست یافت و هیچ مسیری برای رسیدن به آن اهداف، جز از طریق خانواده وجود ندارد. به عنوان مثال، تأمین محبت و مودت، یکی از اهداف اسلام از ازدواج است؛ اما این هدف به صرف ازدواج و تنها از طریق این قرارداد و پیمان به دست نمی‌آید. از دیدگاه اسلام، محل ارزانی نمودن محبت و مودت تنها کانون گرم خانواده است.

۲- پرورش نسل سالم و پاک

از جمله اهداف مهم و خطیر اسلام از ازدواج، پرورش نسل سالم و پاک است. اسلام اگر خواهان بنای مدینه‌ی فاضله می‌باشد که این‌گونه نیز هست. بنابر اندیشه‌ی اسلام، هرگز بدون وجود انسان‌های سالم و پاک، نمی‌توان جامعه‌ی پاک بنا نمود و مدینه‌ی فاضله پی‌ریزی کرد و جز از رهگذر ازدواج، نمی‌توان به این آمال رسید. تنها ازدواج مطابق با قوانین و شرایط اسلام است که می‌تواند این انتظار را برآورده نماید. به منظور رسیدن به این هدف، اسلام شرایط خاصی را برای ازدواج در نظر می‌گیرد. هم‌چنان که در برخی اسناد، به این هدف عالی ازدواج توجه صریح شده و به شرافت خانوادگی به عنوان یک شرط اساسی می‌نگرد و می‌فرمایند: «تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دساس»، «با خاندانی صالح ازدواج کنید، زیرا عرق (ژن) دساس و بسیار تأثیرگذار است. (طبرسی - ج ۱، باب ۸، ص ۳۷۳).

۳- حفظ عفت و حیای فردی و اجتماعی

توجه به صفات برجسته‌ی انسانی و زمینه‌سازی به منظور تأمین آن‌ها، از جمله‌ی اهداف مهم و خطیری است که اسلام از طرق مختلف در صدد تأمین آن‌ها است. عفت و حیا از جمله‌ی این صفات می‌باشند که یکی از راه‌های تأمین این صفات و سجایا، ازدواج است. اسلام با تشریح و تبلیغ ازدواج، به دو شکل مسیر نیل به این هدف را هموار می‌سازد: یکی از این جهت که ازدواج را بهترین و طبیعی‌ترین راه تأمین نیازهای جنسی معرفی می‌کند. اگرچه ازدواج را مسیر نیل به عفت و حیا می‌داند، ولی به گونه‌ای ازدواج را ترویج و تشریح نمی‌کند که خود تهدیدی برای عفت اجتماعی محسوب شود و افراد هرزه در قالب ازدواج به اهداف زشت خود برسند و عفت عمومی را به یغما ببرند. در واقع، اسلام با پیش گرفتن مسیر تعادل نه راه ازدواج صحیح را به روی نیازهای بشر بسته است تا به بیراهه رود و عفت را پایمال سازد و نه با نگاه افراطی به ازدواج،

خود ازدواج را وسیله‌ای برای بی‌عفتی قانونی دیگران قرار داده است تا در قالب ازدواج به اهداف پلید خود برسند.

۴- تأمین آرامش و سکون دل

آرامش بخشیدن به نهاد ناآرام و دل بی‌قرار انسان، نیازمند ارتباط با جنس مخالف است که اسلام آن را با ازدواج برای افراد تأمین می‌نماید. آدمی در مراحل مختلف حیات خود به مرحله‌ای می‌رسد که افزون بر نیازهای جسمی و جنسی، خود را نیازمند ارتباط با جنس مخالف می‌بیند. این نیاز به گونه‌ای است که حتی با ارضای نیاز جنسی هم برطرف نمی‌شود و آدمی حتی در حالی که به تمایلات جنسی او پاسخ قانع داده شده است، باز هم احساس کمبود ارتباطی و هم‌نویی با جنس مخالف را دارد. این نیاز، در برخی مواقع، آن قدر شدید می‌شود که تمرکز و آرام و قرار را از دل انسان سلب می‌نماید. تنها عاملی که می‌تواند به این انسان بی‌قرار، آرامش بخشد و وی را به ساحل امن سلامتی روحی و روانی مسکن دهد، ازدواج است. اسلام هم یکی از اهداف ازدواج را پاسخ به این نیاز درونی معرفی می‌نماید و تأمین آنرا از جمله‌ی آیات و نشانه‌های خداوند می‌شمارد: «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم / ۲۱) «از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی را از جنس خودتان خلق کرده ...»

ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان یهودی و مسیحی

ازدواج در آیین یهودی یکی از وظایفی که انجام آن بر عهده هر مرد یهودی گذاشته شده ازدواج کردن و بچه دار شدن است. این امر مبتنی بر فرمانی است که در برشیت ۱:۲۲ متوجه شده و در ۹:۱ و ۷ به آدم و حوا عليهما السلام و فرزندانش خطاب شده است. یهودی‌ای که برای تشکیل خانواده تلاشی نمی‌کند مانند کسی دانسته شده است که خونی ریخته باشد، یا صورت خدا را که همه انسان‌ها به شکل آن آفریده می‌شوند بی‌ارج بدانند، و یا باعث شود که حضور خدا از اسرائیل رخت بربندد. گرچه پسر از ۱۳ سالگی شأنیت ازدواج دارد، و در نسل‌های پیشین سن و سال‌های کمتر ترجیح داشته اما سن معمول ازدواج ۱۸ سال بوده است. حداکثر سن ازدواج ۲۰ سالگی بود و تأخیر نمی‌بایست از آن فراتر رود. مقامات دینی هم معمولاً بر مرد مجردی که از این سن گذشته بود فشار می‌آوردند تا خود همسری برگزیند. تنها دلیل قابل قبول برای مجرد ماندن در تمام عمر اشتیاق فرد به وقف کردن زندگی‌اش برای آموختن تورات بود.

اهمیت و جایگاه ازدواج در مسیحیت

۱ - تقدیس ازدواج

مسیحیت با معرفی ازدواج به عنوان یکی از آیین‌های مقدس و شعائر دینی، جایگاهی خاص برای ازدواج قائل است. مسیحیان کاتولیک رم، هفت شعار را به رسمیت می‌شناسند که ازدواج یکی از آن شعائر است. آن هفت شعار عبارتند از: تعمید، توبه، تایید (تثبیت ایمان)، عشای ربانی، تدهین نهایی، اعتراف و ازدواج. از بین این گروه شعائر، پنج شعار اول، برای سلامت روح هر فرد مسیحی انجام می‌شود؛ درحالی‌که دو شعار اخیر، یعنی اعتراف و ازدواج برای خدمت به کلیسا و تشکیل خانواده انجام می‌پذیرد. ازدواج مقدس، تنها شامل تشریفات ازدواج که صرفاً عمل تقدیسی است، نمی‌شود؛ بلکه پیمان میان زن و شوهر و اموری را که ازدواج با آن‌ها تکمیل می‌شود را نیز شامل می‌شود. از نظر تاریخی، مدرک ازدواج به عنوان یک آیین مذهبی، به کتاب مقدس برمی‌گردد که از آن به «سر عظیم» تعبیر می‌کند. سر عظیم به ارتباط میان زن و شوهر اشاره دارد. زندگی زناشویی صفت شعاری خود را از این عقیده گرفته است که نمونه‌ای زمینی از یک حقیقت آسمانی است. بر این اساس، ازدواج در مسیحیت یک پدیده طبیعی و صرفاً عملی دنیوی و انسانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه جایگاهی آسمانی و برتر از حیات دنیوی دارد. (مشکینی، ازدواج در اسلام، ص ۱۰۶ - ۱۱۰)

۲ - ازدواج اتحادی دایم و ناگسستی در مسیحیت

ازدواج نشانه‌ی محبت خداوند به بشریت است و به وسیله‌ی این عمل، زن و مرد اتحادی مقدس و غیر قابل انفصال برقرار می‌کنند. در واقع، در مسیحیت ازدواج عبارت است از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک همراه با امانت‌داری متقابل و همکاری متعهد می‌شوند. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه‌ی آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند. (میشل، ۱۳۷۷: ص ۹۵) در مسیحیت، دو عنصر ماهیت ازدواج را فراهم می‌آورد؛ قداست آسمانی و الهی و ناگسستی بودن پیمان منعقد شده. پس ازدواج در مسیحیت یک نوع پیمان دایم و تعهد پایدار آسمانی است که نشان از محبت خداوند دارد.

۳- تجرد عامل تقرب به خدا

اگرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده و سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن عزوبت و تجرد و دوری گزیدن از ازدواج امری پسندیده‌تر است. شخص مجرد، با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم کردن مشغله‌های دنیوی و زندگی، خود را شبیه عیسی علیه السلام و مریم مقدس علیها السلام می‌سازد. (پطرس، ۱۸۸۲م: ص ۳۴۵) بنابر دیدگاه انجیل، ازدواج تنها وسیله‌ای جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و خود ارزشمند نیست.

مقایسه سه فرهنگ دینی در روابط خانواده

تربیت در فرهنگ اسلام

فرزند انسان نتیجه آمال و آرزوهای او می‌باشد؛ زیرا که او ثمره حیات وی محسوب می‌گردد که به عنوان جانشین در روی زمین باقی می‌ماند. شایسته است که این نماینده واقعی انسان، به خصوصیات ویژه‌ای آراسته گردد، و نمی‌توان به این هدف نایل شد؛ مگر اینکه فرزند را به آداب نیکو تربیت نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۰۳) فرزند خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آموخته شوید. اسلام مکتب تربیت است و والدین را به تربیت نیکوی خود و فرزندانشان ترغیب و تشویق نموده‌است. خداوند متعال در قرآن کریم فرموده‌است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (سوره تحریم/ ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید. «مولا امیرالمومنین علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۰۳) یعنی به خود و خانواده خود خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید. با توجه به آیه‌ای که مورد مطالعه قرار گرفت، اهمیت تربیت فرزندان به خوبی آشکار می‌شود. فرزندان‌ی که تحت سرپرستی والدین قرار می‌گیرند؛ امید می‌رود اثر مثبت داشته باشند اگر به خوبی تربیت شوند.

تربیت در فرهنگ دینی یهود و مسیحیت

از میان تغییرات صورت گرفته در دهه‌های اخیر جامعه غرب، احتمالاً تغییرات به عمل آمده در نهاد خانواده، استثنایی‌ترین آن‌ها بوده‌است. بر اثر تغییرات مهم در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و پیدایش مفاهیم نوین راجع به آزادی خصوصی و تجدید نظر در خصوص عقاید مذهبی دیرین

پیرامون تولد و تناسل، حجم خانواده به سرعت رو به نقصان گذاشته است. در جامعه غربی از تعداد کودکان مدام کاسته می‌شود. سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم و از جمله کشورهای اسلامی نیز در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته و به عنوان یک هنجار از سوی نهادهای دولتی تبلیغ شده‌است. در حال حاضر ۸۵٪ از کشورهای در حال توسعه سیاست‌های تنظیم خانواده را رسماً پذیرفته، یا عملاً رویه‌هایی همگام با این سیاست‌ها اتخاذ کرده‌اند. در دهه‌های اخیر گرایش به تنها زیستی (زندگی بدون فرزند) نیز در خانواده‌ها رواج یافته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعداد زوج‌هایی که بدون فرزند روزگار می‌گذرانند، در دهه‌های اخیر روندی فزاینده داشته است. خاستگاه این گرایش نیز فرهنگ غربی است. (بستان، ۱۳۸۳، ص ۷۰-۷۱) امروزه در غرب فرزند پدیده منفی و مزاحم به حساب می‌آید و شگفت این که مردم به حیوانات بیش‌تر دل خوش کرده‌اند تا به فرزند. از نظر روان شناختی این پدیده بسیار خطرناک است و یکی از مشکلات جوامع غربی نیز همین موضوع می‌باشد. شکل غربی خانواده، همگام با پیشرفت تمدن مادی مدرن، گسترش عالم‌گیر یافته است. غرب‌گرایی موجب شده‌است که از نقش مثبت فرزندان کاسته شود و علاقه به داشتن فرزند که در فرهنگ سنتی و دینی موجب افزایش هم‌بستگی بود، از بین برود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان و شوهران جوان عمدتاً به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند. (فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سوم، ۱۳۸۴، شماره ۱۱، ص ۱۰۱).

چگونگی برخورد و احترام فرزند نسبت به والدین در فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی

«وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/ ۲۴) خداوند در این آیه که درباره پدر و مادر است، می‌فرماید که تنها به رحمت و مهربانی خود اکتفا نکن؛ بلکه برای آنان، رحمت و اسعه الهی را بخواه و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کودکی تربیت کردند، به آنان رحم و عطوفت خویش را فرو فرست. تأثیر مثبت رضایت والدین در محیط خانواده و در سطح جامعه، بسیار مؤثر است. خانواده، کانون مهم تربیتی و عاطفی، و اجتماع کوچکی است که در سایه عمل کردن به دستورات و احکام و قوانین اسلامی می‌تواند در برابر امراض مختلف روحی خود را بیمه کند. ریشه اخلاق، در خانواده است و صفات پسندیده، در دامن مادر رشد پیدا می‌کند، رضایت والدین، باعث تحکیم روابط اجتماعی و پشتوانه‌ای در محیط خانواده است. لذا در سایه دور شدن از ارزش‌های انسانی و اخلاقی، هر روزه شاهد از هم گسیختگی بیش‌تر خانواده‌های غربی هستیم.

در کشورهای غربی، پدر و مادر حق دخالت در زندگی و رفتار و حرکات فرزندان خود را ندارند و تربیت ناصحیح، والدین را در برابر فرزندان و فرزندان را برابر پدر و مادر، ناراضی و ناسازگار قرار داده‌است. اسلام با قرار دادن یک سری نکات تربیتی از جمله سفارش به فرزندان در جهت جلب رضایت پدر و مادر و توصیه بر والدین در خدمت به فرزندان، زمینه تربیتی را طوری تنظیم کرده که فرزندان در کانون گرم خانواده و در کنار پدر و مادر زندگی می‌کنند و می‌دانند که زندگی در خارج از خانه پدری، باعث افزایش انحطاط اخلاقی افراد و جامعه می‌شود. (بافکار، بهره‌وری در پرتو اسلام، ص ۵۲-۵۴).

روایاتی از احترام به والدین در اسلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: *ثلاثة من عازهم ذلّ: الوالد و السلطان و الغريم.* (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۱) سه کس هستند که اگر کسی در صحبت کردن بر آنها تندی کند، خوار می‌شود: پدر، حاکم و شخص مدیون.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند: *"دعاء الوالد لولده كدعاء النبی لأُمَّته."* "دعایی که پدر برای فرزند کند، همانند دعایی است که پیامبری برای امت خود نماید. (شیخ طبرسی، ص ۱۶۲).

حجاب در بین سه فرهنگ اسلامی - یهودی و مسیحی

ارزش حجاب در فرهنگ سه ادیان پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و مطالعات فرهنگی شک نیست که غرب و اسلام با دو دیدگاه متفاوت به زن و ارزش‌ها و کرامت انسانی الهی او می‌نگرند و بر همین اساس برنامه‌ریزی می‌نمایند. در تمدنی که خدا از صحنه زندگی غایب شده، و در کلیسا عزلت گزیده، معنویت به حاشیه زندگی خزیده، و استخوان‌بندی فرهنگ و تمدن غربی، یک استخوان‌بندی مادی شده که در آن دیگر معنویت و قدس، اصالت ندارد و انسان دیگری موجودی نیست که حامل «روح الهی» باشد و بتواند خلیفه خدا در زمین شود... در این تمدن، انسان هیچ فرقی بنیادی و وجودی با حیوان ندارد... او هم چند سالی در طبیعت زندگی می‌کند و می‌میرد و دیگر هیچ! ارزش و اعتبار همه چیز در این تمدن با این ملاک سنجیده می‌شود که چقدر می‌تواند به انسانی که اساساً حیوانی مادی است، لذت ببخشد و یکی از چیزهایی که می‌تواند به او لذت ببخشد «تن انسان» است. از نظر غرب، انسان جز «تن» چیز دیگری نیست و

این تن یکی از مهم‌ترین آبخورهای لذت اوست، و او در فرصت محدودی که تا مرگ دارد باید از همه لذت‌ها تا می‌تواند بهره‌مند شود دیدگاه راسل با «تابو» خواندن احساس شرم، عفاف و تقوای مرد و پوشش زن درباره ریشه حیا و حجاب می‌گوید: «اخلاق جنسی آن‌چنان که در جوامع متمدن دیده می‌شود، از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: یکی، تمایل به اطمینان‌پذیری، دیگری، اعتقاد مرتاضانه به خبیث بودن عشق.» دیدگاه فروید نیز هم افق با دیدگاه راسل است. او نیز اخلاق جنسی را تابو می‌خواند و در روان‌شناسی خود، مبنای تحرکات انسان را در همه دوران‌های زندگی، غریزه جنسی معرفی می‌کند و ایجاد مانع در برابر آنان را به هر شکل ممکن، مردود شمرده، عامل بیماری‌های روانی می‌داند. شهید مطهری در پاسخ غربی‌ها می‌گوید: درباره این‌که زن ابتدا در خود احساس نقص می‌کرده‌است و سبب شده که هم خود او و هم مرد، او را موجود پست بشمارد، سخنان زیادی گفته شده‌است، خواه آن سخنان درست باشد و خواه نادرست، با فلسفه اسلام درباره زن و پوشیدگی زن رابطه‌ای ندارد. اسلام، نه حیض را موجب پستی و حقارت زن می‌داند و نه پوشیدگی را به خاطر پستی و حقارت زن عنوان کرده‌است؛ بلکه منظور دیگری داشته‌است (واحدخواهران دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳). «محرومیت از ارضای غریزه جنسی از راه مشروع و طبیعی، باعث انحراف و فساد خواهد شد؛ اسلام این مشکل را با دستور ازدواج و توجه همسران به ارضای همدیگر حل کرده‌است. این اشکال که حجاب و پنهان شدن زن در میان پوشش‌ها باعث محرومیت و طغیان و فساد می‌شود، بی‌اساس است، زیرا اسلام با آن دستورهای موکد خود راجع به ازدواج و احکام دقیق خود در این مورد، رفع محرومیت کرده- است.

حدود حجاب

در فرهنگ اسلام (استناد به قرآن)

دینداران مسلمان درست‌کردار، مبنا و پایه‌ی دینداری خویش را، سخنان خدا قرار می‌دهند. خدا در دین اسلام بسیار آشکارا با احکامی قطعی، اعمالی را نهی کرده و انجام رفتارهایی را به ایمان‌آوردگان به اسلام، سفارش کرده‌است مثلاً آیات سوره‌های مبارکه «نور» و «احزاب» را که در رابطه با پاکدامنی و حجاب است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَبَنَاتُ الْمُؤْمِنِينَ يُدْرِكُنَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (سوره احزاب / ۵۹) ای پیامبر!

به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده) خداوند همواره غفور و رحیم است. اگر پوشش (مو) برای زنان واجب بود، خدا می‌گفت با جلباب (یا هر پوشاک دیگری) موهای خود را بپوشانید. چنانکه خدا حتی از زیور پای زنان (خلخال) هم غافل نبوده است و هم‌چنین زنان را سفارش به پوشاندن عورت خود از کودکان هم کرده است.

درباره‌ی این آیه مفسران قرآن کریم توضیحاتی ارائه کرده‌اند از جمله تفسیر برگزیده تفسیر نمونه، اول دلیل شأن نزول آیه را، آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر ﷺ نماز اقامه می‌کردند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می‌رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاح آنان می‌شدند. آیه نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند، می‌داند و تفسیر آنرا این‌گونه توضیح می‌دهد؛ اخطار شدید به مزاحمان و شایعه پراکنان! به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا ﷺ و مؤمنان.

هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی‌بندوبار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی‌پروا و لاابال هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند. (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۶۳۱)

حدود حجاب در دین یهود و مسیحیت

دین یهود با قدمت ۳۳۰۰ ساله از قدیمی‌ترین ادیان صاحب شریعت محسوب می‌شود. در تعالیم یهود، اعم از کتاب آسمانی و سنت و سیره پیامبران و بزرگان بنی اسرائیل، علاوه بر اشاره به رعایت عفاف و پاکدامنی و تاکید بر حجاب زنان، همواره قوانینی برای حفظ عفت عمومی وجود داشته است و اگرچه در اثر پراکندگی قوم یهود، تفاوت‌هایی در کیفیت رعایت آن مشاهده می‌شود، اما به هر حال می‌توان از متون مقدس این آئین، قاعده اصلی و روش کلی را بدست آورد. در تورات بر اهمیت رعایت عفت دختران چنین آمده: « دختر خود را بی عصمت مساز و او را به فاحشگی و امدار. مبدا زمین مرتکب زنا شود و زمین پر از فجور گردد» (تورات- سفر لاویان: ۱۹/۳۰) موضوع رعایت عفاف و حجاب در دین یهود از چنان اهمیتی برخوردار است

که در یکی از کتب عهد عتیق به زنانی که حدود الهی را رعایت نکرده و از قوانین شرعی سرپیچی می‌کنند، نسبت به نزول عذاب هشدار داده شده‌است. در کتاب اشعای نبی که هشدارهای الهی به قوم بنی اسرائیل بیان شده، در مورد زنان گنهکار یهود آمده‌است: «خداوند می‌گوید از این جهت که دختران صهیون (زنان یهود) متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه می‌روند و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش خلخال‌ها را به صدا در می‌آورند...» (عهد عتیق - کتاب اشعای: ۱۸/۳-۱۶). در این متون، چند نکته در باب حدود و حریمی که زن یهودی در ارتباط با اجتماع باید مورد توجه قرار دهد، حائز اهمیت است:

- ۱- ضرورت دارد زن با پوشش سر به میان مردان برود.
 - ۲- زن نباید از روی سبک‌سری با هر مرد نامحرمی به گفتگو پردازد.
 - ۳- زنی که با صدای بلند در حالی که همسایگان صدای او را می‌شنوند که درباره امور زناشویی گفتگو کند، خلاف شرع مرتکب شده‌است.
- با توجه به مضامین بیان شده در باره پوشش خاص زنان بنی اسرائیل، استفاده از چادر به عنوان پوشش سراسری که همه اندام را می‌پوشاند و نیز روبند که صورت را مستور نماید، محرز است؛ اگرچه در سیره عملی بانوان یهود گاهی استفاده از روبند معمول نبوده‌است. به نظر می‌رسد به علت تناسبی که بین ادیان الهی و فطرت انسان وجود دارد، این ادیان از نظر احکام کلی جهت واحدی دارند. در مسیحیت نیز همانند دین یهود، حجاب زنان امری واجب به شمار آمده و مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد پوشش زنان را تغییر نداده و آن را استمرار بخشیده، بلکه در مواردی قدم را فراتر نهاده و با تأکید بیش‌تر وجوب حجاب را مطرح ساخته است زیرا در شریعت یهود تشکیل خانواده امری مقدس محسوب می‌شده اما از دیدگاه مسیحیت، تجرد مقدس شمرده می‌شده‌است. لذا مسیحیت باید برای از بین بردن هر گونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزیین فرا می‌خواند.

مقایسه دیدگاه اسلام با یهود و مسیحیت در مورد اقتصاد (ربا)

ربا در اسلام

ربا اصطلاحی در دین اسلام است دو شکل دارد که عبارت است از:

۱ - ربای معامله‌ایی: یعنی معامله دو چیز همجنس، به طوری که یکی از دیگری بیش‌تر باشد. مثلاً ۱۰۰ کیلو برنج درجه یک با ۱۱۰ کیلو برنج درجه دو معاوضه شود، که این شکل از معاوضه ربا و حرام است.

۲ - ربای قرضی: یعنی قرضی که شرط شود همراه با مقداری بیش‌تر از قرض گرفته شده، پس داده شود. مثلاً ۱۰۰ هزار تومان به کسی قرض داده شود و پس از مدتی ۱۱۰ هزار تومان پس گرفته شود. این نوع ربا، امروزه بسیار رایج است که مواردی از جمله: پول نزولی یا پول بهره‌ایی، وام با سود مشخص، سرمایه‌گذاری با سود مشخص و ... در این دسته قرار دارند.

ربا در قرآن

ربا یا بهره‌کشی از مال که به صورت طبیعی هر چه سال‌ها افزایش یابد و فقر و مسکنت فقیران بیش‌تر شود، بر مقدار آن و بر سبیری و زیاده‌خواهی ثروتمندان افزوده خواهد شد، خطری بزرگ برای یگانگی امت اسلامی و در نتیجه برای آن شخصیت آرمانی رسالتی محسوب می‌شود که جامعه اسلامی آن را همچون نمونه‌ای برای یک زندگی خوشبخت عرضه می‌کند، و بر خطر مواجه شدن با دشمن می‌افزاید.

ربا خواری گاه با ذره کوچکی آغاز می‌شود، ولی در نفس شخص مال‌دار چندان رشد می‌کند که به صورت درخت بزرگ و پلیدی از حرص و آزمندی درمی‌آید، و در نفس شخص نادان دیوار ستبری از ناراحتی و تنفر می‌سازد، و در داخل اجتماع چندان رشد می‌کند که ربا خواران عنوان یک طبقه نفرت‌انگیز پیدا می‌کنند و سرانجام به جایی می‌رسند که رباخواران برای تأمین منافع حرام خود با دشمن خارجی ضد امت و ملت خود همکاری می‌کنند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را که سودهای افزوده و چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید، شاید رستگار شوید. (سوره آل عمران، آیه ۱۳۰) از دیدگاه کتب تفسیری چون تفسیر انوار درخشان، دلایل منع و تهدید از وام با سود و ربا خواری در این آیه را دامی معرفی نموده، که سرمایه داران در راه زندگی تهیدستان می‌گسترانند، که ثروت و دسترنج آنان را برابیند، و بر سرمایه کلان خود بیفزایند، و از

دسترنج آنان زندگی کنند و چنانچه عمومیت بیابد، ثروت و نیروی حیاتی طبقات در نزد گروهی که اقلیت را تشکیل می‌دهند، تمرکز خواهد یافت، و اجتماع در دو قطب مخالف قرار خواهند گرفت، و نفرت و دشمنی در روان کارگران که نیروی اجتماع و اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، نسبت به سرمایه داران پدید می‌آورد، و بتدریج آتش انقلاب را می‌افروزد چنانکه روایت شده، که پیامبر اسلام ﷺ ربا خوار و ربا دهنده، و گواه و نویسنده آنرا نفرین نموده و از رحمت پروردگار رانده‌است. و نیز ربا را کفر معرفی نموده، و سرمایه داران را از آن بر حذر داشته، که سعادت و رستگاری خود و اجتماع را به‌خطر نیفکنند، و از القاء اختلاف و آتش فتنه در جامعه بپرهیزند، در جهان دیگر عمل آنان شراره‌های آتشی است، که ربا خواران را فراخواهد گرفت. (انوار درخشان، ج ۳، ص: ۲۰۱)

خداوند، هم‌چنین در دیگر آیات قرآنی چون سوره روم / آیه ۳۹ و سوره بقره / آیه ۲۷۶ از زیان و ضررها و عقوبات ربا سخن گفته است.

ربا در احادیث

«دِرْهَمٌ رِبَاٍ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَّةً بِيْذَاتِ مَحْرَمٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ» یک درهم ربا نزد خداوند سنگین‌تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا. (امام صادق علیه السلام - نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۱۷۷) «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّبَّاءَ لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ» خدای عزوجل، ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود. (امام باقر علیه السلام - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۵، ح ۱۰) «يا عَلِيُّ... لَا تُصَادِقُ أَكِلَ الرَّبَّاءِ فَإِنَّهُ يُبَارِزُ اللَّهَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: (فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَادْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ)» ای علی: با رباخوار رفاقت نکن، زیرا او با خداوند به مبارزه برخاسته، چون خداوند متعال می‌فرماید: «اگر دست از رباخواری برنداشتید پس به خدا و رسولش اعلان جنگ دهید». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله - میراث حدیث شیعه، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۸۹) «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلْفِقُهُ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ، وَاللَّهِ لِلرَّبَّاءِ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ ذَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا» ای مردم! ابتدا احکام را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید! به خدا قسم که ربا در میان این امت ناپیداتر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ است. (امام علی علیه السلام - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۷، ح ۱۶) «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَّاءَ حَلَالًا لَتَرَكَّ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَخْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَّاءَ لِیَبْغِرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى التَّجَارَاتِ

وَإِلَىٰ الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ فَبَيَّنَّا ذَٰلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ» براستی، اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و تلاش برای معاش را رها می‌کردند. به همین دلیل خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به حلال و تجارت و خرید و فروش رو بیاورند و به یکدیگر قرض بدهند. (امام صادق علیه السلام - من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷، ح ۴۹۳۷)

ربا در آیین یهود

با توجه به اینکه امروزه از تورات اصلی اثری وجود ندارد و تورات فعلی نوشته شده به دست علمای یهود است با وجود این وقتی به تورات فعلی می‌نگریم به روشنی پیداست که ربا در دین یهود همچون سایر شرایع آسمانی حرام بوده است. و ربا خواران علاوه بر وعده عذاب، محکوم به مجازات‌های دنیوی، همچون روزه گرفتن، کفاره دادن و تازیانه خوردن می‌شدند. بعضی از این نصوص عبارتند از: "زمانی که مالی را به یهودی فقیر قرض دادی، رفتار تو با او مانند رفتار طلبکار ربا دهنده نباشد و از وی مطالبه ربا نکن!" (عهد قدیم، سفر خروج، باب ۲۲، آیه ۲۵، ص ۱۱۹) "اگر برادرت فقیر شد و دست نیاز به سوی تو دراز کرد او را یاری کن، خواه غریب باشد یا هم‌وطن تو او را کمک کن تا همراه تو زندگی کند و از او ربا نگیرد و از خدای او بترس!" (عهد قدیم، سفر لاویان، باب ۲۵، آیه های ۳۵-۳۷). هم‌چنین در کتاب‌های "سلمونیک" و "شولحان عادوخ" که متون احکام دین یهودند، بعد از ذکر انواع ربا آمده‌است: "شهادت ربا خوار مردود است و عمل او در حد شرک و یک کار پست حیوانی است". همه این نصوص نشانه این است که ربا در شریعت یهود حرام بوده و بنی اسرائیل مدت زیادی به این احکام عمل می‌کردند، اما به تدریج در اثر حرص و مال دوستی به معاملات ربوی روی آوردند. متون تاریخی یهود نشان می‌دهد که آنان حتی به یکدیگر رحم نکردند و علاوه بر گرفتن ربا از یهودیان، بدهکاران را به اسارت می‌گرفتند و گاهی به عنوان برده به سایر ملت‌ها می‌فروختند. در قرن‌های بعد هم یهودیان دست از رباخواری برنداشتند و روز به روز بر دامنه فعالیت‌های ربوی خود افزودند تا جایی که امروزه اغلب بازارها و موسسات پولی دنیا تحت تصرف آنان است.

ربا در آیین مسیحیت

در مطالعه انجیل معلوم می‌شود که بیش‌تر تعالیم و دستورهای حضرت عیسی علیه السلام جنبه پند و اندرز و نصایح اخلاقی دارد و بعد تشریحی آنها اندک است؛ لذا حضرت مسیح علیه السلام احکام و قوانین کمتری آورده و بیش‌تر درصدد اجرای احکام تورات بود. آن حضرت در این‌باره فرمود: «گمان

میرید که آمده‌ام تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، بلکه برای تکمیل آنها آمده‌ام». (انجیل متی، فصل ۵، آیه های ۱۷-۱۹، ص ۸۰) بنابراین دستورهایی که از تورات برای تحریم ربا نقل نمودیم، شامل آیین حضرت مسیح علیه السلام نیز می‌شود. درعین حال، برخی از نصوص انجیل را در تایید این مطلب بیان می‌کنیم: «اگر به کسانی قرض بدهید که انتظار پاداش از آنها دارید، چه فضیلتی برای شما متصور است». (انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵، ص ۱۰۲) «اگر به کسانی قرض دهید که امید بازگرداندن را از آنها دارید، چه فضیلتی برای شما دارد! گناهکاران نیز به همدیگر قرض ربوی می‌دهند تا آنها مثل آنها را برگردانند».

نظر بزرگان کلیسا

تا عصر رنسانس علمای مسیحیت هم‌صدا با کتاب مقدس، ربا را تحریم کردند و کوشیدند با بیان حکمت تحریم ربا، مردم را از ارتکاب این گناه باز دارند. قدیس گریگوار دونین، ربا را گرفتن مال دیگران می‌دانست. او درباره ربا می‌گوید: «ربا نتیجه آمیزشی است که خلاف فطرت و طبیعت است؛ زیرا فطرتا زیاد شدن، به اشیای زنده اختصاص دارد، درحالی که پول نقد عقیم و نازاست». او هم چنین می‌گوید: «کسی که قرض یا بهره می‌دهد، احتیاج قرض کننده را بیش تر می‌کند، علاوه بر اینکه خود او نیز دچار اضطراب و تشویش می‌شود که مبادا بدهکار طلبش را ندهد». (مصرف التمیمیه الاسلامی، ص ۹۲) سکوبار می‌گوید: «اگر کسی معتقد باشد که ربا معصیت نیست، کافر است!». پدر یونی می‌گوید: «رباخواران شرف خود را در زندگانی دنیا از دست داده‌اند و پس از مرگ شایستگی کفن و مراسم دینی را ندارند». (ابراهیم بدوی، نظریه الربا المحرم، ص ۵).

پیدایش رباخواری در مسیحیت

قرن‌های زیادی ربا از سوی کلیسا و قوانین مدنی کشورهای مسیحی، ممنوع اعلام شده بود. کلیسا مسیحیان رباخوار را با یهودیان برابر می‌شمرد و برای آنان مجازات‌هایی اعمال می‌کرد. اما از قرن ۱۲ تا ۱۵ میلادی به علت گسترش ارتباط بین شرق و غرب، تحولات بزرگی در تمام زمینه‌ها از جمله در فعالیت‌های اقتصادی پدید آمد و به تدریج، زمینه ترویج ربا در میان عموم مردم فراهم شد. گسترش صنعت و بازرگانی مستلزم به‌کارگیری پس‌اندازهای راکد جامعه در معاملات بود. برای کشورهایی که درگیر جنگ یا مشکلات دیگری بودند، قرض کردن بسیار آسان‌تر از اخذ مالیات بود. اصناف هم قرض می‌گرفتند و هم قرض می‌دادند و در هر دو صورت، «بهره» رکن اصلی معامله را تشکیل می‌داد. مالکانی که مشغول توسعه املاک خویش یا عازم جنگ‌های صلیبی

بودند، از وام دهندگان استقبال خوبی نمودند. کلیساها و دیرها که روزی پرچم مبارزه علیه رباخواری را برافراشته بودند، برای مقابله با افزایش روزافزون قیمت‌ها و یا رهایی از پیامدهای بحران‌های مالی، دست نیاز به سوی یهودیان که بزرگ‌ترین منابع مالی در اختیارشان بود دراز نمودند. (موسوعه الاقتصاد الاسلامی، ص ۳۸۸؛ نظریه الربا المحرم، ص ۵-۶)

نتیجه

فرهنگ غرب جوان را فردگرا و فارغ از هر مسئولیتی نسبت به خانواده بار می‌آورد، اما در فرهنگ اسلامی اطاعت از پدر و مادر واجب است و جوان احساس مسئولیت در قبال خانواده می‌کند. هم‌چنین درباره مقایسه مسأله مهم حجاب در دو فرهنگ، می‌توان به این نتیجه رسید که: زن در اسلام دارای آزادی انسانی، معنوی و علمی است، ولی در فرهنگ غرب دارای آزادی حیوانی در شهوت‌ها و هوس‌هاست. زن در فرهنگ اسلامی دارای حجب و حیا و عفاف است و در فرهنگ غرب بی‌قید و بی‌بند و بار است.

هم‌چنین، فرهنگ غربی تفاوت عمده‌ای با فرهنگ اسلامی دارد که عمده آن به تعریف از ماهیت انسان مربوط می‌شود. برحسب فرهنگ غربی، انسان موجودی است که معنویت فرع و روبنای زندگی اوست؛ انسان در عصر تکنولوژی به درجه‌ای از پیشرفت رسیده که دیگر نیازی به ارتباط با یک مبدأ قدسی و آسمانی نداشته باشد. این تصور باطل که در فرهنگ غرب رشد پیدا کرد، انسان محوری را جایگزین خدا محوری کرد و بر همه ارزش‌های الهی و آسمانی خط بطلان کشید.

منابع

- قرآن کریم.
کتاب مقدس.
- استادی، رضا، (۱۳۸۵)، شیعه و پاسخ به چند پرسش، تهران، انتشارات مشعر.
- اعرافی، علیرضا، (۱۳۷۶)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- بابایی، احمدعلی، (۱۳۸۲ش)، تفسیر برگزیده تفسیر نمونه، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۱۳.
- بافکار، حسین، (۱۳۸۴ - ۱۳۸۰) بهره‌وری در پرتو اسلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، انتشارات برهان، چاپ اول.
- بستان، حسین، (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۹۲)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج ۴، تهران، اسلامیه.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق)، تفسیر انوار درخشان، تهران، ناشر کتاب‌فروشی لطفی، چاپ اول.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۳)، تاریخ ادیان، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ۱۴.
- خلاصه مقالات کنگره جهانی جایگاه و نقش زن از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله، (۱۳۷۸)، شماره ۳۰.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۷ق) الاهیات علی هدی‌الکتاب و السنه و العقل، به قلم شیخ حسن محمد مکی عاملی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ چهارم.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۷)، پاسخ به سؤالات نسل جوان، تهران، انتشارات تزکیه، چاپ اول.
- طباطبایی، علامه محمدحسین (۱۳۶۱)، حیات پس از مرگ، مترجمان: نبوی، سید مهدی - آملی لاریجانی، صادق، تهران، انتشارات نورفاطمه.
- عالیخانی، بابک، (۱۳۸۴)، مهر در ایران و هند باستان (مجموعه مقاله)، ققنوس.
- عباس حمزه‌ای (۱۳۸۵)، حجاب در ادیان الهی، قم.
- علی محمدی آشنانی (۱۳۷۸)، حجاب در ادیان الهی، قم، انتشارات یاقوت.

غضنفری، علی (۱۳۹۲)، جامعیت، موضوع: جزوه درسی ارشد علوم قرآنی، جلد ۱، تهران، دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران.

فصل نامه شیعه‌شناسی، (۱۳۸۴)، سال سوم، شماره ۱۱.

قرائتی، محسن، پوشش زن در اسلام، نام اصلی عنوان: پوشش زن در اسلام، همراه با پیام‌ها و فتوای امام، نام کتابخانه عمومی حکیم مدرس زنوزی، نوشته اشتهاردی، محمد (۱۳۶۵)، موضوع: فتوای شیعه حجاب به ضمیمه مقاله‌ای از محسن قرائتی، قم، انتشارات ناصر.

مترجمان، (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد، ناشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

محمدنیا، اسدالله (۱۳۷۵)، آنچه باید یک زن بداند، ورامین، انتشارات: مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب الزمان.

مشکینی، علی، (۱۳۶۶)، ازدواج در اسلام، احمد جنتی، الهادی.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۸)، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، معاد، تهران، انتشارات صدرا با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید، چاپ اول ۱۲ بهمن.

واحد خواهران دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۷۱)، منزلت زن، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.

هدایت خواه، ستاره (۱۳۸۵)، زیور عفاف، مشهد، انتشارات ضریح آفتاب.

یزدانی، عباس، (۱۳۷۷) آزادی، تحلیلی از آزادی و اخلاق جنسی، قم، انتشارات قم عباس یزدانی، چاپ اول.